

مولای باقی ترک ایست که در جواب بگویی درت سهند
 و حی حقیقه به سگری حقیقه به سگری حقیقه باقی به دگر
 زین قوت اولوب زوجه عابره و غلنگ قزلی زاهد و رابعه
 مولانک او غلای عمر و دیگر و بشتر و خالد و ولید زینک
 ایست که در جواب بگویی درت سهند اوچی عابره
 سگری زاهد به سگری رابعه به بری عمره بری بگوه بری بشتر
 بری خالد به بری ولیده دگر
 زین قوت اولوب زوجه عابره و غلنگ قزلی حقیقه
 وضعیفه مولانک او غلای عمر و دیگر و بشتر
 و خالد و ولید بری ترک ایست که در جواب بگویی
 درت سهند اوچی حقیقه به سگری حقیقه به
 بری عمره بری بگوه بری خالد به بری ولیده دگر
 زین قوت اولوب زوجه عابره و غلنگ قزلی عایش
 و فاطمه مولانک لاب قزلی غلای عمر و دیگر و بشتر
 و خالد و ولید بری ترک ایست که در جواب
 بگویی درت سهند اوچی بری سگری عایش به سگری فاطمه
 بری عمره بری بگوه بری خالد به بری ولیده دگر
 زین قوت اولوب زوجه عایش و غلنگ قزلی رابعه
 و ساره مولانک لابین عمیر و دیگر و بشتر و خالد

مولای باقی ترک ایست که در جواب بگویی درت سهند
 و حی حقیقه به سگری حقیقه به سگری حقیقه باقی به دگر
 زین قوت اولوب زوجه عابره و غلنگ قزلی زاهد و رابعه
 مولانک او غلای عمر و دیگر و بشتر و خالد و ولید زینک
 ایست که در جواب بگویی درت سهند اوچی عابره
 سگری زاهد به سگری رابعه به بری عمره بری بگوه بری بشتر
 بری خالد به بری ولیده دگر
 زین قوت اولوب زوجه عابره و غلنگ قزلی حقیقه
 وضعیفه مولانک او غلای عمر و دیگر و بشتر
 و خالد و ولید بری ترک ایست که در جواب بگویی
 درت سهند اوچی حقیقه به سگری حقیقه به
 بری عمره بری بگوه بری خالد به بری ولیده دگر
 زین قوت اولوب زوجه عایش و غلنگ قزلی
 عاکه و فاطمه مولانک باقی ترک ایست که در
 جواب بگویی درت سهند اوچی عایش به سگری عاکه
 سگری فاطمه به باقی باقی به دگر
 زین قوت اولوب زوجه عایش و غلنگ قزلی صفیه
 وضعیفه مولانک بابانک باقی ترک ایست
 که در جواب بگویی درت سهند اوچی حقیقه به
 سگری حقیقه به سگری حقیقه به باقی به دگر
 زین قوت اولوب زوجه سهند او غلنگ قزلی حقیقه

در قیبه